خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۶ . ۲۰ ذی الحجه ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۳۱

معرفت شناسی اسلامی و علم دینی در آینه کتاب

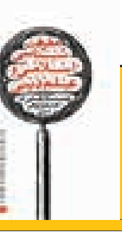

کتاب «معرفت شناسی اسلامی و علم دینی؛ جستارهایی در علم‌پژوهی دینی» به ضمیمه دیدگاه آیات عظام جوادی آملی و جعفر سبحانی و آیت‌ا... مصباح یزدی، به همت محمد محمدرضایی تدوین شده است. به گزارش ایبنا، این اثر، حاصل تلاش علمی استادان محقق در عرصه حکمت اسلامی است و در ۲۸۸ صفحه با شمارگان هزار نسخه و بهای ۱۳ هزار تومان، توسط «نشر معارف» روانه بازار نشر شده است.

مشاوره حقوقی

●●●

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفا در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: پدرم از ازدواج نخست، ۴ فرزند دارد و از ازدواج دوم، یک فرزند. از ازدواج دوم، به طلاق انجامید و حضانت فرزندش از همسر دوم، به مادر واگذار شد. آیا انتقال حضانت، در مباحث مربوط به ارث نیز، تأثیر گذار است؟

پاسخ: حضانت یعنی سرپرستی، تربیت و نگهداری از کودک. حضانت و ارث ارتباطی با یکدیگر ندارند. بنابراین، فرزند حاصل از ازدواج دوم نیز، در ردیف دیگر فرزندان، از پدر شما ارث می برد. ماده ۸۶۱ قانون مدنی بیان می کند: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب.» سبب یا رابطه سببی رابطه‌ای است که با عقد ازدواج دایم بین زن و شوهر ایجاد می‌شود و موجب ارث بردن زوجین از یکدیگر است. رابطه نسبی یا رابطه خونی، رابطه خویشاوندی است که با ولادت شرعی به وجود آمده باشد.

پرسش: از فردی ۳۰ میلیون تومان طلبکارم، اما نمی توانم هزینه باطل کردن تمبر را پرداخت کنم. لطفاً راهنمایی‌ام کنید.

پاسخ: اگر پرداخت هزینه دادرسی از توان شما خارج است، می توانید ضمن دادخواست، از دادگاه درخواست کنید موقتاً شما را از پرداخت هزینه دادرسی معاف کند. ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «مُعسِر» از هزینه دادرسی را این گونه تعریف می کند: «معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود، به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست.» در صورتی که نمی توانید هزینه دادرسی را پرداخت کنید، باید همزمان با ارائه دادخواست اصلی (یعنی ضمن همان دادخواست یا به موجب دادخواست جداگانه)، با ارائه دلیل، از دادگاه درخواست کنید که ابتدا به موضوع اعسار شما رسیدگی و شما را موقتاً از پرداخت هزینه های دادرسی معاف کند. طبق ماده ۵۰۶ آیین دادرسی مدنی، «در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل دو نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می باشند، به دادخواست ضمیمه شود.» هزینه دادرسی برای مطالبه مبلغ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان در مرحله بدوی، حدود ۸۶۰،۰۰۰ تومان است. بنابراین شهود باید گواهی دهند که شما توانایی پرداخت مبلغ ۸۶۰،۰۰۰ تومان را ندارید. در صورت اثبات اعسار، مُعسَر علاوه بر معافیت موقت از پرداخت هزینه دادرسی، می تواند وکیل معاضدتی داشته باشد و به طور موقت از پرداخت هزینه حق الوکاله معاف می شود.

مشی تربیتی امام هفتم(ع) از دیدگاه شهید مطهری

تبلیغ عملی برای جذب حداکثری در سیره امام کاظم(ع)

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

یکی از مهم ترین جاذبه‌های سیره امام موسی کاظم(ع)، اهتمام آن حضرت به تبلیغ عملی است. طبق روایات معتبر، آن امام بزرگوار، مدتی طولانی از زندگانی خود را در زندان‌های دستگاه خلافت عباسی گذراندند؛ با این حال، جاذبه شخصیت امام(ع) که در مشی و سیره عملی آن حضرت متبلور بود، حتی قلب‌های سنگین از بار گناهان را، نرم و با نور حقیقت آشنا می کرد. این ویژگی اساسی در سیره امام کاظم(ع)، می‌تواند الگویی برای تمام کسانی باشد که در جهت تبلیغ معارف دینی گام بر می‌دارند. آن چه در پی می‌آید، فرازهایی از کتاب ارزشمند «سیری در سیره ائمه اطهار(ع)» اثر استاد شهید، آیت‌ا... مرتضی مطهری است که در آن، به ویژگی تبلیغ عملی در سیره امام کاظم(ع) پرداخته شده است.

■ زندانبانانی مرید زندانی

این که موسی بن جعفر(ع) شهید شده، از مسلمات تاریخ است و هیچ کس انکار نمی کند. بنا بر معتبرترین و مشهورترین روایات، موسی بن جعفر(ع)، چهار سال در کنج سیاه‌چال‌های زندان به سر برد و در زندان هم به شهادت رسید. در زندان، مکرر به امام(ع) پیشنهاد شد که یک اعتراف زبانی [به نفع دستگاه خلافت عباسی] از او بگیرند و آن حضرت حاضر نشد؛ این متن تاریخ است. امام(ع) در یک زندان به سر نبرد، در زندان‌های متعدد به سر برد. او را از این زندان به آن زندان منتقل می کردند و راز مطلب این بود که در هر زندانی که امام(ع) را می بردند، بعد از اندک مدتی، زندانبان مرید [آن حضرت] می‌شد.

■ ورود امام(ع) به زندان بصره

اول امام کاظم(ع) را به زندان بصره بردند. عیسی بن جعفر بن ابی جعفر منصور، یعنی نوه منصور دوانیقی، والی بصره بود. امام(ع) را تحویل او دادند که یک مرد عیاش شراب خوار و اهل رقص و آواز بود. در هفتم ماه ذی الحجه سال ۱۷۸ امام را به زندان بصره بردند. امام(ع) مدتی در زندان عیسی بن جعفر بود. کم کم خود این عیسی بن جعفر، علاقه‌مند و مرید آن حضرت شد. او هم قبلاً خیال می کرد که شاید واقعا موسی بن جعفر(ع)، همان طور که دستگاه خلافت عباسی تبلیغ می کند، مردی است یاغی که فقط هنرش این است که مدعی خلافت است، یعنی عشق به ریاست دارد؛ اما دید که نه! او مرد معنویت است و دنیاطلب نیست. بعدها وضع عوض شد. دستور داد یک اتاق بسیار خوبی را در اختیار امام(ع) قرار دادند و رسماً از امام پذیرایی می کرد. هارون محرمانه پیغام داد که این زندانی را از بین ببرید؛ عیسی جواب داد که من چنین کاری نمی کنم. در اواخر دوران زندانی شدن امام کاظم(ع) در بصره، خود عیسی به خلیفه نوشت که دستور بده این زندانی را از من تحویل بگیرند؛ والا خودم او را آزاد می کنم؛ من نمی توانم چنین مردی را به عنوان یک زندانی نزد خود نگه دارم و چون پسر عموی خلیفه و نوه منصور بود، البته حرفش خریدار داشت.

■ اعجاز شخصیت امام کاظم(ع) در زندان بغداد

امام(ع) را به بغداد آوردند و تحویل فضل بن ربیع دادند. فضل بن ربیع، پسر «ربیع»، حاجب معروف است. هارون، امام(ع) را به او سپرد. او هم بعد از مدتی به امام(ع) علاقه مند شد؛ وضع امام(ع) را تغییر داد و یک وضع بهتری برای آن حضرت به وجود آورد. جاسوس‌ها به هارون خبر دادند که موسی بن جعفر(ع) در زندان فضل بن ربیع به راحتی زندگی می کند و در واقع زندانی نیست و باز هم مهمان است. هارون، امام کاظم(ع) را از او گرفت و تحویل فضل بن یحیی برمکی داد. فضل بن یحیی هم بعد از مدتی با امام(ع) همین طور رفتار کرد و هارون، خیلی از این قضیه خشمگین شد و بالاخره هم امام کاظم(ع) را از فضل گرفت و او مغضوب واقع شد.

■ سخت گرفتن بر امام(ع)

بعد از مغضوب شدن فضل، پدرش یحیی، برای این که مبادا بچه‌هایش از چشم هارون بیفتند، در یک مجلس، سر زده از پشت سر هارون رفت، سرش را به گوش خلیفه نزدیک کرد و گفت: اگر پسرم تقصیر کرده است، من خودم حاضرم هر امری شما دارید اطاعت کنم، پسرم توبه کرده است. بعد آمد به بغداد و امام(ع) را از پسرش تحویل گرفت و تحویل زندانبانِ دیگری به نام سندی بن شاهک داد که می گویند اساساً مسلمان نبود و در زندان او، خیلی بر امام کاظم(ع) سخت گذشت. در آخرین روزهایی که امام(ع) زندانی بود و تقریباً یک هفته بیشتر به شهادت آن حضرت باقی نمانده بود، هارون، یحیی برمکی را نزد امام کاظم(ع) فرستاد و با زبان بسیار نرم و ملایمی به او گفت از طرف من، به پسر عمویم سلام برسانید و به او بگویید بر ما ثابت شده که شما گناه و تقصیری نداشته‌اید، ولی متأسفانه من قسم خورده‌ام و قسمم را نمی‌توانم بشکنم. من قسم خورده‌ام که تا تو اعتراف به گناه و از من تقاضای عفو نکنی، تو را آزاد نکنم؛ هیچ کس هم لازم نیست بفهمد. همین قدر در حضور همین یحیی اعتراف کن؛ حضور خودم هم لازم نیست، حضور اشخاص دیگر هم لازم نیست، من همین قدر می خواهم قسمم را نشکسته باشم؛ در حضور یحیی همین قدر تو اعتراف کن و بگو معذرت می خواهم! خلیفه مرا ببخشد! من تو را آزاد می کنم و بعد بیا پیش خودم و چنین و چنان. حال روحیه مقاوم موسی بن جعفر(ع) را ببینید؛ چرا این‌ها «شفعاء دار الفناء» هستند؟ چرا این‌ها شهید می‌شدند؟ در راه ایمان و عقیده‌شان شهید می‌شدند؛ می‌خواستند نشان بدهند که ایمان ما به ما اجازه [همگامی با ظالم را] نمی‌دهد. جوابی که امام(ع) به یحیی داد این بود که فرمود: «به هارون بگو از عمر من دیگر چیزی باقی نمانده است»؛ همین! بعد از یک هفته آقا را مسموم کردند.

■ چرا امام کاظم(ع) دستگیر شد

حال چرا هارون دستور داد امام(ع) را بگیرند؟ برای این که به موقعیت اجتماعی امام(ع) حسادت می‌ورزید و احساس خطر می کرد، با این که امام(ع) هیچ در مقام قیام نبود؛ واقعاً کوچک ترین اقدامی نکرده بود برای این که انقلابی به پا کند (انقلاب ظاهری)؛ اما آن ها تشخیص می دادند که این‌ها انقلاب معنوی و انقلاب عقیدتی به پا کرده‌اند. وقتی که تصمیم می گیرد که ولایتعهدی را برای پسرش امین تثبیت کند و بعد از او برای پسر دیگرش مأمون و بعد از او برای پسر دیگرش مؤتمن و بعد، علما و برجستگان شهرها را دعوت می کند که همه امسال بیایند مکه که خلیفه می خواهد بیاید مکه و آن جا از همه بیعت بگیرد، فکر می کند مانع این کار کیست؟ آن کسی که اگر باشد و چشم‌ها به او بیفتد، این فکر برای افراد پیدا می‌شود که آن که لیاقت برای خلافت دارد اوست، کیست؟ البته که موسی بن جعفر(ع). وقتی که می‌آید مدینه، دستور می دهد امام را دستگیر کنند. هارون دستور داد جلادهایش رفتند سراغ امام(ع). چرا [هارون این کار را می کند؟] چون می خواهد برای ولایتعهدی فرزندانش بیعت بگیرد.

■ نفوذ معنوی امام(ع)

از این جا شما بفهمید که نفوذ معنوی ائمه شیعه(ع) چقدر بوده است. آن ها نه شمشیر داشتند و نه تبلیغات، ولی دل‌ها را داشتند. در میان نزدیک ترین افراد دستگاه هارون، شیعیان وجود داشتند. حق و حقیقت خودش یک جاذبه‌ای دارد که نمی‌شود از آن غافل شد. علی بن یقطین، وزیر هارون است، شخص دوم مملکت است، ولی شیعه است؛ اما در حال استتار و خدمت می کند به هدف‌های موسی بن جعفر(ع)، ولی ظاهرش با هارون است. دو سه بار هم گزارش‌هایی دادند، ولی موسی بن جعفر(ع)، با آن روشن بینی‌های خاص امامت، زودتر درک کرد و دستورهایی به او داد که وی اجرا کرد و مصون ماند. در میان افرادی که در دستگاه هارون بودند، اشخاصی بودند که آن چنان مجذوب و شیفته امام(ع) بودند که حد نداشت؛ ولی هیچ گاه جرئت نمی کردند با امام(ع) تماس بگیرند. هارون از چه می‌ترسید؟ از جاذبه حقیقت می‌ترسید، « کونوا دعاة للناس بغیر السنتکم »، تبلیغ که همه‌اش زبان نیست، تبلیغ زبان اثرش بسیار کم است، تبلیغ، تبلیغ عمل است. آن کسی که با موسی بن جعفر(ع) یا با آبای کرامش یا با اولاد طاهرینش روبه‌رو می‌شد و مدتی با آن ها بود، اصلا حقیقت را در وجود آن ها می‌دید و می‌دید که واقعاً خدا را می‌شناسند، و واقعاً از خدا می‌ترسند، واقعاً عاشق خدا هستند و واقعاً هر چه که می کنند، برای خدا و حقیقت است.

معرفی کتاب

●●●

«۸۸ آیه»؛ مجموعه شعر استاد شفق در مدح امام هشتم(ع)

چاپ دوم «آیه ۸۸»، جدیدترین مجموعه شعر استاد محمدجواد غفورزاده، مشهور به «شفق»، روانه بازار نشر شد. این کتاب که سال گذشته، به عنوان کتاب برگزیده نهمین جشنواره کتاب سال رضوی نیز معرفی شده است، در برگیرنده غزل‌ها، قصیده‌ها، منظومه‌ها، مثنوی‌ها و رباعی‌هایی است که این شاعر چیره‌دست، در مدح حضرت ثامن الحجج(ع) و مرثیه مصائبی که بر آن امام همام رفته، سروده است. استاد شفق، در گفت‌وگو با مجله «دانشورز»، دوماهنامه فرهنگی و اطلاع رسانی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، درباره دلیل نام گذاری این مجموعه شعر و چرایی طراحی ویژه جلد آن، می گوید: آیه ۸۸، مجموعه شعر رضوی است. به همین دلیل، طرح روی جلد آن از یکی از ورودی‌های حرم مطهر اقتباس شده که به زیبایی، قطعه‌ای از قرآن بر سر در آن کتابت شده است... ما همین قاب را گرفتیم و در جلد کتاب استفاده کردیم. عنوان کتاب هم از آیه ۸۸ سوره یوسف گرفته شده است. در این آیه، برادران حضرت یوسف نزد او می‌روند و از او درخواست کرامت دارند: «هنگامی که آن‌ها وارد بر او شدند، گفتند: ای عزیز! ما و خاندان‌های ما را ناراحتی فرا گرفته و متاع کمی با خود آورده‌ایم. پیمانه ما را به طور کامل عطا کن و بر ما تصدق بنما که خداوند، متصدّقان را پاداش می‌دهد.» من گمان می کنم که این حرف، حرف دل همه ما با امام رضا(ع) است. به همین دلیل، نام «آیه ۸۸» را برای کتاب انتخاب کرده‌ام. بر جدیدترین مجموعه شعری استاد شفق، دکتر محمدرضا سنگری، حجت الاسلام مرتضی وافی و محمد کاظم کاظمی، مقدمه نوشته‌اند. در خور ذکر است که این مجموعه شعری که اشعار آن به مدح امام هشتم(ع) اختصاص دارد، در هشت فصل تنظیم شده است: «مقدمه‌ها»، «غزل‌ها»، «قصیده‌ها»، «منظومه‌ها»، «مثنوی‌ها»، «مرثیه و ...»، «رباعی‌ها» و «فصل هشتم». دکتر محمدرضا سنگری در مقدمه خود بر این مجموعه نفیس شعری می‌نویسد: «در شعر استاد شفق، هر سازه و پدیده‌ای می‌تواند مضمون‌ساز و مضمون‌آفرین باشد.» وی می‌افزاید: «محمدجواد غفورزاده همان استاد شفق است که «شین» آن شور و شوقی است که با خود دارد، «فا» آن فهم و معرفتی است که در جانش نشسته و «قاف» آن، قلب پاک و قلم روانی است که نصیبش شده است. شفق را باید سال‌ها بگذرد تا بشناسیم و بشناسند؛ همین!» چاپ دوم کتاب «۸۸ آیه»، در ۳۲۸ صفحه و بهای ۲۲ هزار تومان، توسط نشر جمهوری منتشر و روانه بازار نشر شده است.

نگاهی متفاوت و طنز به اخبار کشور در ستون رادیو الآن
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

ماجراهای شیرین و پندآموز در ستون حکایت
هر روز در صفحه «همشهری سلام»